

تفسیری نو از مفهوم اختیار با تاکید بر تلازم اراده الهی و انسانی در قرآن کریم

سارا حسن زاده کردآبادی^۱، علی غضنفری^۲، عیسی عیسی زاده^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱)

چکیده

مسئله فاعلیت انسان در قبال اعمال خویش و ارتباط آن با اراده خداوند متعال، موضوعی بنیادین در علوم اسلامی است که موجب به وجود آمدن نظریه‌های مختلفی چون جبر، تفویض، کسب و امر بین امرین گردیده است. مکتب تشیع، با استناد به رهنمون‌های ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، امر بین الامرین را به رسمیت شناخته و دیدگاه‌های متعددی از آن در جامعه علمی شیعه توسط اندیشمندان دینی ارائه شده است. پژوهش حاضر به بررسی ارتباط و تعامل اراده الهی و اراده انسانی در فرایندهای زندگی می‌پردازد. در این تحقیق، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تفاوت و توازن میان اراده‌های الهی و انسانی در آیات قرآن کریم تحلیل می‌گردد. مقاله مذکور تلاش دارد با استناد به متون دینی و آیات قرآن، ابعاد نوینی از مفهوم اختیار را بررسی نماید. در تلازم این اراده‌ها، انسان موجودی مختار است که با اختیار گام بر می‌دارد و انتخاب می‌کند، قدرت اراده خداوند سبحان تحت عنوان مشیت الهی، اراده انسانی را تحت سیطره خود دارد و رابطه‌ای تعاملی میان دو اراده برقرار است که در مسئولیت‌های اجتماعی و فردی تأثیرگذار می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اختیار، اراده خداوند، اراده انسان، تلازم اراده‌ها، تعامل اراده‌ها.

۱. دانش آموخته سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی علوم اسلامی کوثر، تهران، ایران.

hassanzadeh8854@gmail.com

(نویسنده مسئول)؛

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم قرآن و معارف اسلامی، تهران، ایران.

ghazanfari@quran.ac.ir

e.eisazadeh@isca.ir

۳. استادیار گروه علوم و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛

مقدمه و بیان مسئله

مسئله نسبت و ارتباط اراده خداوند و انسان همواره از مقولات مهم در الهیات اسلامی بوده است. یکی از مفاهیم کلیدی که در این راستا مطرح می‌شود، تلازم اراده‌ها می‌باشد. این اصطلاح به توازن و تعامل دو گونه اراده اشاره دارد: اراده‌ای که از سوی خداوند به عنوان خالق و نظم‌دهنده کل هستی وجود دارد و اراده‌ای که از سوی انسان به عنوان موجودی مختار و مسئول در مواجهه با حوادث و چالش‌های زندگی به کار بسته می‌شود. در سده‌های پیشین، اندیشمندان اسلامی کوشیده‌اند تا این دو اراده را در چارچوبی هماهنگ قرار دهند. پرسش‌های بنیادی نظیر، آیا انسان در انتخاب‌های خویش آزاد است؟ و چگونه می‌توان اراده الهی را با اراده انسانی پیوند داد؟ از موضوعاتی هستند که نیازمند بررسی و تفسیر جدیدی می‌باشند. آنچه این پژوهش در پی آن است، ارائه پاسخی برای این پرسش‌ها با تأکید بر تلازم این دو اراده در زندگی روزمره انسان‌هاست.

آثار علمی بسیاری در زمینه جبر و اختیار با رویکردهای کلامی، فلسفی، عرفانی و ... نگاشته شده‌اند که ذکر آنها از حوصله این نوشتار خارج است، اما در هیچ یک به طور خاص مسئله اختیار را از نظر توازن و تعامل حاکم میان دو اراده از منظر قرآن کریم مورد واکاوی قرار نداده‌اند. بر این اساس، این تحقیق می‌تواند افقی نو برای حل این مسئله بگشاید و به غنای مباحث علوم اسلامی موجود یاری رسانده و بستر ساز تأملات تازه‌ای در این حوزه گردد.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی از طریق مطالعه آیات قرآن کریم و بهره‌گیری از متون دینی معتبر، سعی در تبیین روابط میان اراده خداوند و انسان دارد. به ویژه، به این پرسش پاسخ خواهد گفت که چگونه می‌توان این دو اراده را به گونه‌ای تفسیر نمود که نه تنها به آزادی و اختیار انسان مجال دهد، بلکه در عین حال، حکمت، قضا و قدر الهی را نیز نمایان سازد. برای پاسخ به این پرسش اساسی، سوالات دیگری نیز مطرح می‌گردد که

عبارتند از: در سیر تاریخ اسلام چه پاسخ‌هایی در این زمینه ارائه شده است؟ جایگاه تلازم اراده الهی و انسانی در قرآن کریم چیست؟ چه تفسیری از رابطه میان اراده خداوند و انسان، با توجه به تلازم اراده‌ها می‌توان ارائه داد؟ و چه شواهدی در قرآن کریم دال بر تلازم اراده‌ها وجود دارد؟

۱. نگاه مذاهب اسلامی به مسئله جبر و اختیار

بحث جبر و اختیار از موضوعات بنیادی است که هر یک از فرق اسلامی، آراء و نظرات خود را پیرامون آن مطرح کرده‌اند و موضع ویژه‌ای اتخاذ نموده‌اند.

۱-۱. نگاه معتزله به مسئله جبر و اختیار و باور به تفویض

مذهب معتزله بر آن است که خداوند متعال، انسان را در مرتبه ذات خلق نموده است، اما در حوزه فعل و عمل، آزادی و اختیار به او بخشیده است. انسان خود، خالق افعال خویش به شمار می‌رود (قاضی معتزلی، ۳۲۲). تمامی کارهایی که به انسان مربوط می‌شود، تابع اراده و خواست اوست (همان، ۳۴۴). معتزله بر این باورند که قدرت افعال بندگان، از قبیل تصرفات، ایستایی و استواری و عطای قدرت به انسان استمرار دارد و از آن نعمت‌هایی نیست که خداوند در آغاز به انسان ارزانی داشته و سپس او را به حال خود رها کرده باشد (قاضی معتزلی، ۲۹۰ و ۳۹۱-۳۹۰). نسبت دادن مفهوم تفویض به معتزله، ناشی از سخنان متکلمان این مکتب در رد جبرگرایی می‌باشد (کفراشی، ۳۲). هرچند در نگاه نخست، این اندیشه و آزادی عمل، خوب و پسندیده به نظر می‌آید، اما با افراط در آن، به نوعی رهاشدگی می‌انجامد که در نهایت تکالیف را از بنده سلب می‌نماید.

۲-۱. نگاه اشاعره به مسئله جبر و اختیار و باور به کسب اعمال

اشاعره بر این باورند که خالق افعال بندگان فقط خداوند است و انسان تنها می‌تواند آن اعمال را کسب نماید؛ بدین معنا که فاعل حقیقی هر فعل، خود خداوند است (اشعری، ۳۸).

تمامی افعال انسان به دست خداوند متعال خلق می‌شود و هر خیری یا شری که از انسان ظاهر گردد، آفریننده آن پروردگار یگانه است (اشعری، مقالات الاسلامین، ۳۴۶/۱). ایشان برای پاسداشت اصل توحید، بر انکار فاعلیت انسان در افعال خود تأکید می‌ورزند (احمد پناه، پناهی آزاد، ۴۵). در دیدگاه متقدمین اشاعره، هر دو قدرت، یعنی قدرت خداوند متعال و قدرت انسان، بر فعل فرد حاکم است و هر دو قدرت بر یک چیز واحد وارد شده‌اند. قدرت خداوند سبحان، منشأ خلق و صدور است (غزالی، ۱۲۰). در مقابل، متاخرین اشاعره، قدرت انسان را در وجود فعل مؤثر نمی‌دانند (قوشجی، ۳۷۶) و کسب را به عنوان ویژگی توصیف می‌کنند که به یاری قدرت خداوند سبحان حاصل می‌شود و بنده به واسطه آن فعلی را انجام می‌دهد (فخر رازی، الاربعین فی اصول الدین، ۳۲۲).

در حقیقت، قرائت‌های مختلف از مفهوم کسب گاهی به جبر یا تفویض می‌انجامد (قدردان قراملکی و همکار، ۹۹) و مستندات اشاعره در این زمینه ناقص و ناتمام به نظر می‌آید (محمدی، ۶۵). نظریه کسب، دو فاعل را برای فعل واحد انسان تعریف می‌کند: فاعلی که دارای قدرت است و آن خداوند سبحان است و دیگری، انسان که فعلی را که خالق یکتا خلق نموده است کسب می‌کند.

۳-۱. نگاه شیعه به مسئله جبر و اختیار و باور به امر بین الامرین

نظر شیعه در مورد این مسئله، همان موضع ائمه اطهار علیهم‌السلام است که از آن به "امر بین الامرین" یاد می‌شود (صدوق، ۳۶۰). در ذیل حدیث امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: "لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین" (مجلسی، ۷۵/۵)، علمای شیعه به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند. خداوند متعال انسان را مجبور نیافریده و او را به حال خود رها نکرده است، بلکه با وعده‌ها و وعیدهای خود همواره راه را به او می‌نمایاند (مفید، ۳۲). اگر کسی صرفاً به انسان و اراده او نظر کند، به تفویض قائل خواهد شد و اگر به علت بعید، یعنی خداوند حکیم نظر افکند، به جبر معتقد خواهد گردید (طوسی، جبر و اختیار، ۴۵). انسان در افعال

خود مختار است لکن در عین حال تحت سیطره اراده الهی اقدام می‌کند (لاهیجی، ۲۹). در تقریر علمای دین از "امر بین الامرین" اشکالاتی از دو نظریه جبر و تفویض بر آن وارد است (یعقوبی، موسوی بایگی، فقیه اسفندیاری، ۱۰۹). تصریح علمای دین، اختلاف آرا و هم‌چنین شواهد نقلی، تبیین حقیقت "امر بین الامرین" را دشوار می‌سازد (شیرزاد، ۷۴). اشاعره با پذیرش توحید افعالی و نادیده گرفتن علیت میان مخلوقات، خداوند را فاعل حقیقی و انسان را مجبور دانستند، این با عدالت الهی در تعارض است. در حالی که معتزله با رد توحید افعالی و پذیرش علیت میان مخلوقات، انسان را در افعال خود مستقل پنداشتند و این با مقام قدرت الهی ناسازگار است (بزرگی، محسنی، تبریزی، ۱۲۲). اما شیعه با حفظ عدالت الهی و اعتراف به مقام قدرت الهی، راه میانه و معتدل را در پیش گرفت.

۲. جایگاه تلازم اراده الهی و انسانی در قرآن کریم

قرآن کریم، وحی آسمانی و کلام خداوند متعال است که به وسیله رسول گرامی حضرت محمد ﷺ نازل شده است تا بشریت را از گمراهی و ضلالت رهایی بخشد. این کتاب آسمانی حاوی آیاتی است که دو نوع سخن را در خود جای داده است: گاهی بیانگر قدرت بی‌نظیر اراده خداوند در تعیین سرنوشت انسان و سعادت اوست و گاهی نیز به صراحت انسان را به اختیار در انتخاب و گام نهادن در مسیر زندگی معرفی می‌کند. به گونه‌ای که تلاش و کوشش انسان در کارهای نیک و بد، او را به سعادت یا شقاوت می‌انجامد و بدین ترتیب، آدمی خود مسئول و پاسخ‌گوی کردار و اعمال خویش به شمار می‌آید.

۲-۱. آیات الهی بیانگر قدرت اراده خداوند در عالم هستی پیرامون افعال انسان

۱. خداوند حکیم انسان را در این دنیای فانی آزاد و رها آفریده است، اما در عین حال، این آزادی در ارتباطی تنگاتنگ با خداوند سبحان قرار دارد. مشیت و اراده الهی بر تمامی مشیت‌های انسانی سایه افکنده است. در آیه ۲۹ سوره تکویر آمده است: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» درباره این آیه سه معنا قابل تصور است: نخست آن‌که

انسان هیچ اراده‌ای نمی‌کند مگر با خواست خداوند متعال. دوم، اراده بنده به قدرتی وابسته است که خالق یکتا به او ارزانی داشته است. و سوم، آدمیان به واسطه لطف و فیضی که خداوند کریم به بندگان خود عطا نموده، توانایی اراده دارند (طوسی، التبیان، ۱۰ / ۲۸۸). به این ترتیب، مشیت انسان‌ها به مشیت خداوند مرتبط است و استقامت و پایداری انسان‌ها ناشی از اراده الهی شمرده می‌شود. بدین سبب، افعال ارادی آدمی نیز در نهایت در دایره اراده پروردگار یکتا قرار دارد (طباطبایی، ۲۰ / ۲۲۰-۲۲۱). انسان‌ها از سویی نیازمند و وابسته به خداوند سبحان هستند و از دیگر سو، به تناسب آزادی و اختیاری که دارند باید بار مسئولیت افعال خویش را بر دوش کشند (مکارم‌شیرازی، ۲۶ / ۲۰۲-۲۰۳).

در بیانات فوق، آزادی انسان در انتخاب و عمل، در چارچوب اراده و مشیت الهی قرار دارد. این نگرش به انسان به مثابه موجودی آزاد و هم‌زمان وابسته به خداوند می‌تواند بینش عمیق‌تری نسبت به مسئولیت‌ها و انتخاب‌های فردی خلق کند. انتخاب‌های انسان تحت رحمت و مشیت الهی قرار دارد.

۲. چون انسان قصد انجام کاری را می‌کند و آن را به مشیت خداوند متعال مزین می‌سازد، در واقع آن فعل به خیر و نیکی انجام می‌پذیرد و خداوند راه را هموار و موانع را برمی‌دارد. در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره کهف آمده است: «وَلَا تَقُولَنَّ لِّشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَن يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا». هر عمل و اثری که از انسان سریزند، در حقیقت برآمده از خواست خداوند سبحان است. چه بسا خالق یکتا انسان را بر آن فعل توانا ساخته و با قدرتی که به او داده، هرگز از خود این قدرت را سلب نکرده است تا او بخواهد فعلی را برخلاف اراده خداوند متعال انجام دهد (طباطبایی، ۱۳ / ۲۷۰-۲۷۱) آدمی از خود چیزی ندارد و هر آنچه هست، از راه نعمت پروردگار به دست آمده است. علی‌رغم وجود اختیار و اراده برای انسان، وجود هر چیزی در نهایت به مشیت الهی بستگی دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۲ / ۴۲۲).

در کلام مفسران پیوند ژرفی میان اراده انسانی و مشیت الهی برقرار است که نشان

می‌دهد، تمامی افعال انسان، زمانی که با خواست خداوند هم‌راستا باشد، به نیکی و خیری ختم می‌گردد. بر این اساس انسان باید همواره به مشیت الهی توجه داشته و در تصمیم‌گیری‌های خود به آن استناد نماید.

۳. خداوند متعال به علم بی‌پایانی آراسته است، از این رو آنچه برای انسان رقم می‌زند، همواره از روی خیر و مصلحت است. انسان در حقیقت اختیاری از خود ندارد، اما خداوند صاحب اختیار مطلق است و هیچ چیزی نمی‌تواند مانع اراده او گردد. خالقیت و دانایی به گذشته و آینده موجب گشته که ایزدمنان در نظام تکوین و تشریع مختار باشد. در آیه ۶۸ سوره قصص آمده است: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ». خداوند سبحان به حقایق آگاه است و بر اساس علم خود، خیر و صلاح را می‌سنجد؛ غیر او کسی به این علم دست نیافته و شایستگی چنین اختیاری را نیز ندارد (کاشانی، ۹۸/۷). در این عالم هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند خداوند متعال را به انجام کاری مجبور کند، حال آن‌که اختیار انسان یکی از اجزاء سلسله علل خارجی است که در تحقق افعال اختیاری او نقش دارد (طباطبایی، ۶۶/۱۶-۶۹). خداوند متعال از هر کس به آنچه برای آدمی نیکو و زیان‌آور است داناتر و آگاه‌تر می‌باشد. بر این اساس، انسان در عمل خود اختیار ندارد و تنها خالق یکتا است که مشیت حکیمانه را داراست (جوادی‌آملی، ۳۲۱/۶۳-۳۲۳).

در واقع، با توجه به آنچه بیان شد، خداوند متعال دارای دانش و حکمت بی‌پایان است که موجب می‌گردد هر آنچه برای انسان مقدر می‌شود، از منظر خیر و مصلحت باشد. با وجود جبر و قضا و قدر، به نظر می‌رسد که انسان در عمل خود اختیاری ندارد، زیرا تمامی امور زیر سایه اراده و مشیت الهی است.

آنچه آیات به طرز شفاف بیان کرده‌اند، حاکی از غلبه قدرت الهی بر انتخاب و افعال انسان است. آیات دیگری در قرآن کریم بر قدرت اراده الهی در ارتباط با افعال انسان گواهی می‌دهند، که از جمله آن‌ها می‌توان به آیات (الانسان، ۳۰؛ یس، ۸۲؛ البقره، ۲۵۳؛

التغابن، ۱۱؛ الاحزاب، ۱۷؛ البقره، ۱۰۲؛ الاعراف، ۱۸۲؛ النجم، ۴۲؛ الرعد، ۳۹؛ النجم، ۴۳) اشاره نمود؛ که در این نگاشته به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شد.

۲-۲. آیات الهی حکایتگر قدرت اراده انسان در انتخاب و انجام افعال خویش

۱. آدمی با تلاش و امید زنده است. او برای نیل به اهداف خود باید سخت سعی و تلاش کند؛ چرا که بدون سعی و مجاهدت، نباید به پاداشی امید داشت. اعمال انسان به ملکیت حقیقی او در می‌آید و پس از مرگ نیز همراه او خواهد بود. خداوند علیم نه تنها به اعمال نظر می‌افکند بلکه نیت انسان را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. در آیات ۳۹ تا ۴۱ سوره نجم آمده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى». هر آنچه انسان برای دستیابی به آن تلاش کند، در نهایت آن را خواهد دید؛ او ناگزیر پاداش یا مجازات خویش را به کمال دریافت می‌دارد (طوسی، التبیان، ۴۳۵/۹-۴۳۶). پاداش عمل انسان به دیگری داده نمی‌شود (طبرسی، ۲۷۲/۹-۲۷۳). عمل فرد به ملکیت حقیقی او در می‌آید، به گونه‌ای که پس از مرگ نیز به همراهش خواهد بود (آل عمران، ۳۰؛ الزلزله، ۶-۸). خداوند متعال جزای کامل اعمال را به انسان عطا می‌فرماید (طباطبایی، ۴۶/۱۹-۴۷). تلاشی که انسان در راه نیک انجام می‌دهد، در صورتی که به اهداف خود دست نیابد، از طرف خداوند سبحان به سبب نیت خیر خود جزای شایسته‌ای خواهد یافت (مکارم‌شیرازی، ۵۵۰/۲۲).

با در نظر گرفتن کلام مفسران، انسان باید در راستای دستیابی به آرزوهای خویش تلاش و مجاهدت کند، چرا که این میسر نیازمند سخت کوشی و همت در زندگی است. اعمال انسان به طور مستقیم با پاداش و جزای او در ارتباط است و این خود، نشانه‌ای از مسئولیت او در برابر افعال و اعمالش خواهد بود. اعمال انسان به جزئی از وجود و شخصیت حقیقی وی بدل می‌شود، به گونه‌ای که پس از مرگ نیز با او خواهد بود.

۲. خداوند متعال نتایج زحمات و تلاش‌های انسان را در این دنیا به طور کامل به وی

عطا خواهد نمود. در دریافت جزای اعمال در آخرت، نیات انسان‌ها رکن اصلی و بنیادین به شمار می‌رود. در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره هود چنین آمده است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». هر کس که برای دنیا تلاش کند و خواهان آن باشد، نتیجه کوشش او به طور کامل به وی عطا خواهد شد و از هیچ چیزی فروگذار نخواهد گردید (طوسی، التبیان، ۴۵۹/۵). اگر فردی اعمال نیکی چون دست‌گیری از فقیران، خودداری از ظلم، صله رحم و دیگر اعمال حسن را با نیتی برای کسب دنیا از قبیل وسعت رزق، سلامتی و نعمت‌ها انجام دهد، خداوند پاداش دنیایی او را ارزانی خواهد داشت، اما در آخرت نصیبی نخواهد داشت (طبرسی، ۲۲۴/۵؛ طباطبایی، ۱۷۵/۱۰-۱۷۶). اما کسی که هدفش جلب رضای حضرت حق باشد، در هر دو جهان تأثیرگذار خواهد بود و در آخرت ثمرات بی شماری را خواهد چشید (مکارم‌شیرازی، ۴۶/۹-۴۷).

بر این اساس، نیات انسان در ارزیابی نهایی اعمالش نقشی بس مهم ایفا می‌کند. کوشش برای دنیا به پاداش‌های مادی در این جهان منتهی می‌شود، اما در آخرت عواقب نامطلوبی به همراه خواهد داشت. اگر هدف راستین انسان جلب رضای خداوند باشد، در هر دو جهان نتایج مثبت آن را مشاهده خواهد کرد.

۳. خداوند متعال سعادت و نیکبختی را برای مردم یک جامعه رقم می‌زند و این انسان‌ها هستند که با تغییر رفتار و عملکردشان، وضع خویش را دگرگون می‌سازند. گاه با ناسپاسی و کفران نعمت، شرایط سلب نعمت را فراهم می‌آورند و گاه با تغییر احوالات درونی و رفتار خویش، خواری را به عزت مبدل می‌سازند. در آیه ۱۱ سوره رعد آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». حکم خداوند متعال چنین است که نعمت‌های الهی با حالت‌های نفسانی انسان ارتباطی عمیق دارد. بدین معنا که اگر آن حالت‌ها با فطرتش سازگار باشد و تداوم یابد، نعمت‌ها از سوی خداوند سبحان پایدار خواهد ماند. هرگاه انسان حال خویش را تغییر دهد، آفریننده بی‌همتا نیز نعمت را به تقمت

تبدیل خواهد کرد (طباطبایی، ۳۱۰/۱۱). انسان‌ها و اقوام در تعیین سرنوشت خود، از اراده و اختیار برخوردارند و طالع و تصادف در این امر جایگاهی ندارد؛ سعادت یا نابودی ملت به اراده و احوالات درونی خود آن‌ها بستگی دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۴۵/۱۰). سنت الهی در موضوع نعمت، نعمت و دگرگونی که در سرنوشت هر قومی صورت می‌پذیرد، با تغییرات در روش و روحیه مردم پیوندی ناگسستنی دارد (جوادی‌آملی، ۱۷۰/۴۲-۱۷۱). بنابراین، از آنچه بیان شد، می‌توان استنباط نمود که انسان‌ها با اراده و اختیاری که دارند، قادرند سرنوشت خویش را دگرگون سازند. برخلاف نظریه‌های تقدیر و سرنوشت‌گرایی که بر تصادف و قضا و قدر تأکید دارند، انسان با تغییرات مثبت درونش می‌تواند به بهبود اوضاع و سرنوشت اجتماعی یاری رساند.

آنچه آیات بدان اشاره کرده‌اند، گواه بر اختیار و آزادی اراده انسان است. آیات دیگری از قرآن کریم نیز قدرت اراده انسان را در افعال و کردار وی به تصویر کشیده‌اند: (الروم، ۴۱؛ فصلت، ۴۶؛ الشمس، ۷-۱۰؛ البقره، ۲۸۶؛ المؤمنون، ۶۲؛ الانفطار، ۱۰-۱۲؛ الاعراف، ۹۶؛ یوسف، ۲۴؛ المائدة، ۳۰؛ القصص، ۱۵؛ النحل، ۱۱۹) که در این پژوهش به اهم آن‌ها اشاره گردید.

۳. تحلیل تلازم اراده الهی و انسانی

از دیرباز، انسان در پی برقراری ارتباطی بنیادین میان اراده خویش و اراده پروردگار متعال بوده است. با اتکا به آیات نورانی قرآن کریم می‌توان گره این مسئله را گشود. تلازم میان اراده‌های الهی و انسانی، نکته‌ای حائز اهمیت است که تصویری نو از اختیار آدمی را به نمایش می‌گذارد و آتش نزاع جبر و اختیار را خاموش می‌سازد.

۳-۱. جایگاه اختیار در زندگی انسان

در قرآن کریم از الگوهایی یاد می‌شود که پروردگار یکتا از آن‌ها تمجید کرده و به آن‌ها سلام و درود می‌فرستد و آن‌ها را امام و پیش‌رو انسان‌ها معرفی می‌نماید. آیا می‌توان گفت که

این بندگان برگزیده از روی جبر و اجبار انتخاب شده‌اند، در حالی که خود قرآن گواه است که ایشان پس از پیروزی و سربلندی در آزمایش‌های الهی سزاوار این مقامات گردیده‌اند. انسان با اختیار خود تفکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد و راه سعادت و کمال را می‌پیماید. این تلاش و کوشش انسان در این جهان است که او را از نعمت‌های این دنیا بهره‌مند می‌سازد. در قرآن کریم به پاداش و عقاب اقوام به صورت جمعی اشاره شده و اعمال همگان را در سرنوشت آنان مؤثر می‌داند. این بدان معناست که هر یک از انسان‌ها دارای اختیار هستند و سرنوشت خود را با اعمال و رفتار خود رقم می‌زنند. این نکته را باید یادآور شد که انسان در این گیتی به حال خود رها نگردیده است تا به هر طریق که تمایل دارد عمل نماید و هر آنچه را که اراده کند، محقق گردد. بلکه هر فعلی که به انجام می‌رساند، تحت سلطه و قدرت الهی قرار دارد و او از آن آگاهی کامل دارد. اختیار، امری است که نه می‌توان جبر را بر آن اطلاق نمود و نه می‌توان آن را تفویض نامید؛ بلکه قدرت اختیار انسان از نیرویی می‌باشد که ایزد تعالی به او عطا نموده است تا راه راست را برگزیده و سیر کمال را طی نماید. نظام هستی بر این بنیان شکل گرفته است، اما این بدان معنا نیست که رضایت و اذن پروردگار را در امور انسان نادیده انگاریم. چه بسا، او خالق است و انسان بنده، او رازق است و آدمی تنها گیرنده این روزی؛ نادیده گرفتن قدرت الهی، معادل با انکار خداوند حکیم است.

۲-۳. تبیین مفهوم تلازم اراده‌ها

میان اراده خدا و اراده انسان، ارتباط و تعاملی عمیق وجود دارد که بیانگر تلازم میان آن دو می‌باشد. اراده خدا به معنای خواست و مشیت الهی است که بر تمامی موجودات حاکم بوده و به نوعی همه موجودات تحت تأثیر آن قرار دارند.

خداوند، به عنوان خالق، دارای اراده‌ای قاطع و بی‌نقص است. از سوی دیگر، اراده انسان به معنای تصمیم‌گیری و انتخاب‌های فردی است که هر انسان بر اساس خواسته‌ها،

نیازها و شرایط خاص خویش انجام می‌دهد؛ این اراده به او آزادی عمل می‌بخشد. تلازم میان این دو در زمینه‌هایی چون قضا و قدر، مسئولیت اخلاقی و آزادی اراده و مباحث الهیاتی نقش بسزایی ایفا می‌کند. مفهوم تلازم معمولاً به این صورت تفسیر می‌شود که اراده الهی به گونه‌ای بر اراده انسانی اثرگذار است؛ اما در عین حال، انسان‌ها نیز با اراده آزاد خود می‌توانند انتخاب‌هایی انجام دهند. در حقیقت، تلازم میان اراده خدا و اراده انسان بدان معناست که در عین حال که خداوند سبجان اراده‌ای دارد، انسان‌ها نیز در تصمیم‌گیری‌های خود آزاد هستند و این دو اراده می‌توانند در یک مسیر همسو یا متقابل قرار گیرند.

۳-۳. شواهد قرآنی تلازم اراده‌ها

در قرآن کریم شواهدی وجود دارد که به تلازم اراده خداوند و اراده انسان اشاره دارد. برخی از این آیات عبارتند از:

آیه نخست

این آیه به انتخاب و اراده انسان برای ایمان و اقدام به عمل صحیح اشاره دارد، در حالی که مشیت الهی حاکم است. «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (البقره، ۲۳) خداوند سبجان در این آیه بر همگان هم‌اوردطلبی می‌نماید تا اعجاز قرآن کریم را به اثبات رسانند. عجز مردمان در خلق نظیر قرآن کریم به روشنی گواهی بر معجزه‌ای جاویدان دارد (طوسی، التبیان، ۱۰۳/۱؛ طباطبایی، ۵۷/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۲۶/۱). دشمنان خدا و پیامبر ﷺ از ادیبان فصیح، بلیغ و دانشمندان زمان خویش بودند و آرزو داشتند تا رسول خدا ﷺ را شکست دهند اما با این اوصاف در این هم‌اوردطلبی ناکام ماندند (طبرسی، ۱۵۸/۱؛ دلیل این امر قدرت الهی و ناتوانی ایشان است (فخررازی، ۳۵۱/۲).

در این آیه، قدرت وحی الهی به آزمون گذاشته می‌شود و انسان‌ها در صورتی که دچار شک و تردید گردند، به خلق معادل آن فراخوانده می‌شوند که گویای ارتباطی

عمیق میان اراده الهی و انسانی است. خداوند متعال این فرصت را به انسان‌ها می‌دهد تا از استعداد و توان خود در تقابل با وحی استفاده کنند و آدمی از این اختیار برخوردار است به وحی ایمان آورد یا چیزی شبیه آن بیافریند. این بیانگر تلازم اراده الهی (وحی) و اراده انسانی (اختیار و انتخاب) است. از این رو، انسان با این حقیقت روبرو است که اراده او تحت سیطره اراده حق تعالی قرار دارد، هر چند از آزادی اراده برخوردار است. او می‌خواهد همانند سوره‌ای از قرآن به وجود آورد، لکن تا خدا نخواهد این امر تحقق نخواهد یافت و این فرایند حاکی از تلازم میان اراده الهی (عدم همانندجویی قرآن) و اراده انسانی (همانندجویی قرآن) است که در این مقام همسو با یکدیگر نیستند.

آیه دوم

در این آیه به هدایت الهی اشاره شده است که آزادی انسان را برای انتخاب مسیر خویش نمایان می‌سازد. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (الانسان، ۳) خداوند متعال انسان را در مسیری قرار می‌دهد که با دعوت انبیاء الهی به غایت مطلوب که همان حق است دست یابد. ایزدمنان این راه، شکرگزاری و کفران را در حیطه اختیار انسان قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۲۲/۲۰-۱۲۴). هدایت الهی در معنای وسیع خود شامل هدایت تکوینی، فطری و تشریعی است (مکارم شیرازی، ۳۳۶/۲۵). اگر انسان شکرگزار باشد و نعمت‌های الهی را تصدیق نماید، به حق نائل خواهد آمد و اگر راه ناسپاسی را برگزیده و نعمت‌های خداوند را انکار کند، از راه راست گمراه می‌گردد و انسان در هر دو گزینه قادر و مختار است (طوسی، ۲۰۷/۱۰؛ حقی، ۲۶۱/۱۰). خداوند انسان سرگردان را هدایت می‌کند تا با انجام اعمال صالح به پیروی از خالق که مقصد برتر است رهنمون شود (ابن عاشور، ۳۴۸/۲۹).

این آیه شریف به بررسی نقش اراده الهی و انسانی را در انتخاب مسیر زندگی می‌پردازد. اراده الهی به صورت هدایت الهی به وضوح خود را نمایان می‌سازد که از طریق وحی، آموزه‌های دینی، عقل و دلایل منطقی، راهی را برای دستیابی به حقیقت و کمال، در

اختیار انسان قرار می‌دهد. بخش دوم آیه، اراده انسانی را در آزادی انتخاب میان دو مسیر نشان می‌دهد و این مظهر نقش فعال انسان در زندگی‌اش می‌باشد. با انتخاب هر یک از این دو راه، انسان باید مسئولیت انتخاب خود را به عهده گیرد. بر این اساس، در ارتباط و تلازم بین اراده الهی و اراده انسانی، هدایت الهی یاریگر انسان است، اما تمامی امور به اراده انسان بستگی دارد و تصمیم‌گیری نهایی با اوست تا مسیر زندگی را تعیین نماید؛ این نکته گویای تعامل میان دو اراده یعنی اراده خدا و انسان است که می‌توانند همسو (شاکرا) یا در تقابل (کفورا) قرار گیرند.

آیه سوم

در اینجا، دعا و درخواست حضرت موسی علیه السلام به اراده خداوند و حمایت آن اشاره دارد و نشان دهنده تلازم در تلاش‌های انسانی و مشیت الهی است. «قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ». (القصص، ۳۳) حضرت موسی علیه السلام برای دفاع از مظلوم با آن قبطی ظالم گلاویز شد ولی این‌ها در منطق فرعون معنایی نداشت، او تصمیم بر قتل او بدون پذیرش هیچ عذری گرفته بود (مکارم شیرازی، ۷۸/۱۶). به همین جهت حضرت موسی علیه السلام رو به درگاه الهی نمود و عرضه داشت: «پروردگارا، من یکی از فرعونیان را کشته‌ام و می‌ترسم که مرا به انتقام قتل او بکشند» (طبرسی، ۳۹۴/۷؛ کاشانی، ۷۶/۷).

حضرت موسی علیه السلام با کشتن آن فرد به قصد دفاع از مسلمانان جانش مورد تهدید قرار گرفته بود و او باید مسئولیت آنچه انجام داده بود پذیرا می‌گشت و این نشان از بخشی از اراده انسان در برخورد با اتفاقات می‌باشد. زمانی که وی به دلیل قتل آن فرد از خداوند یاری می‌طلبد، نشان از ایمان و درک والای او نسبت به اراده خداوند دارد که در آن لحظات سخت بر این باور است که اراده الهی می‌تواند او را از مشکلات برهاند، خداوند از نگرانی‌های حضرت موسی علیه السلام آگاهی داشت لکن اراده الهی در همه امور حاکم است. بر این پایه، آیه بیانگر ارتباط عمیق بین اراده انسانی و اراده الهی است. از یک سو، انسان‌ها با ترس‌ها، احساسات و انتخاب‌هایشان روبرو هستند و از سوی دیگر، خداوند با اراده و

حکمتش در پی هدایت و حمایت از بندگانش است. این دو اراده همسو با یکدیگر، بیانگر تعامل بین اختیار انسانی و قضا و قدر الهی است. این آیات به خوبی تلازم میان اراده خداوند و اراده انسان را نشان می‌دهند، در جایگاهی که مشیت الهی در کنار اراده و آزادی انتخاب انسانی قرار می‌گیرد.

۳-۴. ارتباط دعا و درخواست از خدا با تلازم اراده‌ها

خداوند در قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره غافر به انسان‌ها امر نموده تا خواسته‌های قلبی خود را از خالق خویش بخواهند و به گونه‌ای در سرنوشت خویش دخیل باشند. می‌توان دعا کردن و درخواست از خدا را با تلازم اراده خدا و اراده انسان در چند جنبه مرتبط دانست:

۱. آزادی اراده: دعا کردن و خواستن از خدا تجلی‌گر اراده و انتخاب آزاد انسان است. انسان با ابراز دعا و خواسته‌های خود از درگاه الهی، اراده‌اش را به کار می‌گیرد و بدین وسیله نشان می‌دهد که تمایل دارد به سمت مقصودی خاص گام بردارد. در این راستا، اراده انسان مایه‌ای برای تعامل با اراده خدا می‌شود.

۲. تاثیر و مشیت الهی: از منظر دینی، خداوند دارای اراده‌ای است که سلطه‌اش بر تمامی امور حاکم است. دعا کردن بدین معناست که انسان با خواست و اراده خود، خواسته‌های خویش را به ساحت قدس الهی ابراز می‌دارد، اما این درخواست در نهایت بایستی با اراده و مشیت الهی هم‌راستا گردد. از این رو، دعا نیز به نوعی نمایانگر ابراز اراده انسانی در تعامل با اراده الهی محسوب می‌شود.

۳. اگرچه انسان‌ها آزادند که دعا کنند و خواسته‌های خود را مطرح نمایند اما پاسخ به دعاها نیز تحت تاثیر اراده الهی است. ممکن است خداوند به دعا پاسخ مثبت دهد، آن را به تعویق اندازد یا به صورت دیگری پاسخ دهد. این امر به نوعی نمایانگر تلازم میان اراده‌هاست؛ اراده انسان (دعا کردن و خواستن) و اراده خدا (استجاب یا عدم استجاب بنا بر حکمت الهی).

۴. کمال روحانی و رشد انسان: دعا و خواستن از خدا، می‌تواند در راستای رشد روحانی و تکامل شخصیت انسان مؤثر واقع گردد. به این معنا که انسان با برقراری ارتباط با پروردگار و دعا، نگرشی عمیق‌تر از اراده و حکمت الهی کسب می‌کند و این خود می‌تواند به تلازم بیشتری بین اراده‌های انسانی و الهی منجر شود.

در نهایت، دعا و خواستن از خداوند فرایندی است که در آن اراده انسانی در تعامل و پیوستگی با اراده الهی قرار می‌گیرد و هر دو به نحوی متقابل بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. رابطه‌ای که میان قدرت اراده الهی و اراده انسان در افعال خویش در این جهان برقرار است، با تلازم اراده حق تعالی و اراده آدمی می‌توان به خوبی تبیین کرد.

نتایج مقاله

در تحلیل مفهوم اختیار و اراده انسان در پیوند با اراده الهی، می‌توان به این نتیجه رسید که انسان به عنوان موجودی دارای اراده و اختیار، در فراسوی نقش خود در نظام هستی، مسئولیت اعمال خود را نیز بر عهده دارد. امید به رحمت و محبت الهی و تلاش برای انجام اعمال نیکو، محور اصلی زندگی انسان است. این امید و اختیار می‌باشد که انسان را به سمت کمال و سعادت سوق می‌دهد. جبر و اختیار دو مقوله‌ای هستند که رابطه‌ای متقابل و تعامل محور دارند.

۱. خداوند متعال انسان را در این جهان آفریده و هم‌زمان به وی آزادی بخشیده است تا با اراده‌اش، تحت تأثیر مشیت الهی، راه خود را برگزیند و به کمال دست یابد.

۲. انسان تسلیم سرنوشت نیست؛ بلکه می‌تواند با اراده خویش بر نگونبختی خویش فائق آید و آن را دگرگون سازد.

۳. ارتباطی که میان اراده الهی و انسانی برقرار است، از تلازم و تعامل این دو حکایت می‌کند.

۴. در تلازم اراده الهی و انسانی، خداوند متعال دارای اراده‌ای مطلق و نفوذناپذیر است، در حالی که انسان موجودی دارای اختیار و حق انتخاب است. این دو اراده می‌توانند در

مسیری همسو یا متقابل قرار گیرند و این نوع از ارتباط به انسان آزادی عمل بخشیده و در مسئولیت‌های فردی و اخلاقی تأثیرگذار می‌باشد.

۵. انسان با دعا به درگاه الهی، در واقع خواسته‌های قلبی و اراده خویش را از خداوند بزرگ طلب می‌کند؛ لیکن برای نیل به آن باید این اراده با مشیت الهی هم راستا گردیده و با آن در هماهنگی باشد. این نشانگر تعامل دو اراده است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، فرهنگ نشر نو، ۱۴۲۰ ق.
۳. احمدپناه، سید مجتبی و پناهی آزاد، حسن، استطاعت کلامی و کارکرد آن در نظریه امر بین الامرین با رویکرد انتقادی به دیدگاه اشاعره و معتزله، نشریه علمی اندیشه نوین دینی، ۱۵ (ش ۵۹)، ۱۳۹۸ ش.
۴. اشعری، علی بن اسماعیل، اللمع، بیروت، الکتبالتولیکیه، ۱۹۵۲ م.
۵. همو، مقالات الاسلامیین، ویسباند، فرانز شتاينر، ۱۹۸۰ م.
۶. بزرگی، سید عابدین، و محسنی تبریزی، علیرضا، تبیین انواع مظهریت انسان بر اساس توحید افعالی، نشریه علمی اندیشه نوین دینی، ۲۰ (ش ۷۷)، ۱۴۰۳ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۴۰۳ ش.
۸. حقی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۹. شیرزاد، امیر، نظریه امر بین الامرین در آیینه تقریرها و تصویرسازی‌های کلامی و حکمی، خردنامه، (ش ۵۹)، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بی جا، منشورات اسماعیلیان، بی تا.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، دارالمعرفه، بی تا.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. همو، جبر و اختیار، قم، بی نا، ۱۳۹۶ ش.
۱۵. غزالی، محمد بن محمد، الاقتصاد فی الاعتقاد، قاهره، دارالبصائر، ۱۴۳۰ ق.
۱۶. فخررازی، محمد بن عمر، الاربعین فی اصول الدین، حیدرآباد الدکن، مجلس داترس المعارف العثمانیه، ۱۳۵۳ ش.
۱۷. همو، التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. قاضی معتزلی، عبدالجبار بن احمد، شرح اصول الخمسه، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۲۰۰۹ م.
۱۹. همو، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۲ م.
۲۰. قدردان قراملکی، محمدحسن، و قدردان قراملکی، علی، هفت رهیافت از نظریه کسب و تحلیل آن، پژوهش‌های اعتقادی - کلامی، ۵ (ش ۲۱)، ۱۳۵۹ ش.
۲۱. قوشچی، علی بن محمد، شرح تجرید الکلام، بی جا، افضل بن عبدالحی، ۹۷۸ ق.
۲۲. کاشانی، فتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
۲۳. کفراشی، احمدرضا، بازنگاهی به تفویض معتزله از منظر متکلمان امامیه و اشاعره، پژوهشنامه کلام تطبیقی، ۴ (ش ۶)، ۱۴۰۲ ش.
۲۴. لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق، شمع یقین، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، جاویدان، بی تا.
۲۶. محمدی، یزدان، سهم انسان در ایجاد افعال (بررسی نظریه کسب)، ۲۶ (ش ۲۳)، ۱۳۹۶ ش.
۲۷. مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقاد، تهران، روشنای مهر، ۱۳۸۷ ش.
۲۸. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۹. یعقوبی، مهدی، و موسوی بایگی، سید محمد، و فقیه اسفندیاری، مصطفی، نقد دیدگاه شیخ مفید و خواجه طوسی در تبیین اندیشه امر بین الامرین، پژوهشنامه کلام، ۴ (ش ۷)، ۱۳۹۶ ش.